

مفهوم منظر فرهنگی*

اصطلاحی ناکارآمد در فرهنگ شرق

چکیده | یکی از عمیق‌ترین نیازهای ما، حس هویت و تعلق است. پیوستگی انسان به منظر و چگونگی پیدا کردن هویت در منظر و مکان یک نیاز مشترک میان انسان‌ها است. لذا منظر آن چیزی که ما به سادگی می‌بینیم نیست، بلکه روش نگاه کردن است: ما با چشمانمان منظر را می‌بینیم ولی با ذهنمان آن را تفسیر می‌کنیم و ارزش‌ها را با دلایل ناملموس (معنوی) به آن (منظر) نسبت می‌دهیم. بدین جهت منظر می‌تواند به عنوان یک ساختار فرهنگی که در آن حس ما از مکان و خاطره ذاتی ماندگار شده است، دیده شود. توجه روزافزون به مطالعه منظر فرهنگی موجب به رسمیت شناخته شدن مناظر فرهنگی برجسته و قرارگرفتن آنها در فهرست میراث جهانی در ۱۹۹۲ شده است. این مقاله به بررسی برخی ایده‌های مرتبط با منظر و خاطره و ارتباط تنگاتنگ "منظر" و "ذهن انسان" و با تمرکز بر آسیا به عنوان زمینه اصلی شکل‌گیری ایده مناظر فرهنگی می‌پردازد.

واژگان کلیدی | منظر فرهنگی، آسیا، میراث فرهنگی، میراث جهانی.

ترجمه و تلخیص:



شهرزاد خادمی
کارشناس ارشد معماری
منظر

Shahrzad.khademi@gmail.com



مژده سادات مهدوی مقدم
کارشناس ارشد معماری
منظر

Mojo.mahdavi@gmail.com



تصویر ۱: منطقه آیوتایا واجد ویژگی‌های پنج‌گانه مناظر فرهنگی است که به تازگی در فهرست میراث جهانی ثبت شده است، تایلد.
مأخذ: www.commonswikimedia.org

Pic1: Ayutthaya region possesses the five characteristics of t cultural landscape that has already been registered on the World Heritage List, Thailand. Source: www.commonswikimedia.org

تصویر ۱
Pic1

منظر

اما "منظر" چیست و ارتباط آن با خاطره بشر چگونه است؟ سؤال اول را می‌توان با استفاده از نقل قول دو تن از معلمان پیشگام خوانش منظر نیمه‌های قرن بیستم، «جکسون» و «هاسکینز» پاسخ داد. جکسون درباره چستی منظر چنین می‌گوید: "تعریفی کهنه ولی ماندگار از منظر آن را بخشی از صورت زمین که در یک نظر درک می‌شود، می‌داند. او منظر را کتابی غنی و زیبا می‌بیند که همیشه پیش روی ما باز است، ولی باید آموخت که چگونه خوانده شود (Jackson, 1984: 8). هاسکینز در کتاب "ساخت منظر انگلیسی" این چنین اهمیت منظر را بیان می‌کند: "منظر برای کسانی که چگونگی درست خواندن آن را بدانند، غنی‌ترین سند تاریخی است" (Hoskins, 1955: 14).

آنچه جکسون و هاسکینز مدعی آن بودند، شالوده‌ای نو برای مطالعات منظر بود. از این پس دیگر منظر تنها به عنوان تصویری زیبا یا یک متن تلقی نمی‌شود، بلکه از آن به عنوان تجلی فرایندهای فرهنگی یاد می‌شود (Robertson & Richards, 2003) و نیز جوهره چیزی است که «میشل» آن را بخشی از "فرایندی که به واسطه آن هویت شکل می‌گیرد"، می‌داند. بدین جهت ارتباط میان منظر، هویت، تفکر و ادراک، ارکان بنیادین در فهم منظر و حس انسان از مکان هستند (Mitchell, 1994: 1).

اصطلاحی جذاب، مهم و مبهم

۳۰ سال پیش، «دونالد مینیگ» (Meinig, 1979: 1) منظر را چنین تبیین کرد: "منظر اصطلاحی جذاب، مهم و مبهم است که مجموعه‌ای از خصیصه‌های معمول و

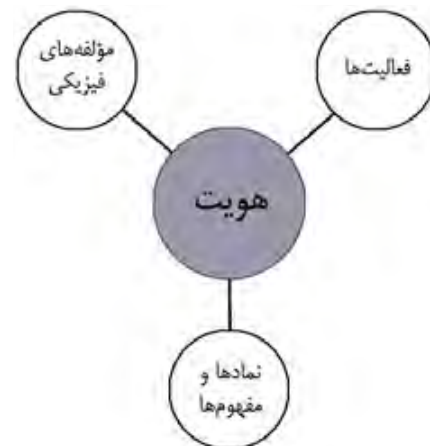
ویژگی‌های ذاتی هر جامعه را دربرمی‌گیرد" و "با دیدگاه انسان تعریف و با ذهن او تفسیر می‌شود" (Ibid: 2). به عبارتی انسان برای فهم خود نیازمند نگاه جست‌وجوگرانه به منظرها به عنوان کلید رسیدن به فرهنگ است (Lewis, 1979) و نباید صرفاً به نمادهای ملی توجه کند، بلکه باید منظرهای معمول روزانه را نیز مدنظر قرار دهد. تصویرسازی منظر، در بسیاری از آثار هنری بسیار دیده می‌شود. هنر منظر در غرب از زمان رنسانس به طور قابل توجهی به نمایش واقعیت منظر متمرکز شده و در مقابل، هنر منظر شرق دور همواره بر منظر خیالی متمرکز داشته است و نقاشی‌ها بیشتر و بیشتر انتزاعی و سمبولیک هستند. (Feng Han, 2006; Gong, 2001). در چنین حالتی، تصویرگری (تجسم‌سازی) چینی از طبیعت. منظر زراعی. بیش از آنکه بیان جهان واقعی باشد، تجلی فکری و قلبی شخص هنرمند و بازتاب تفکرات و احساسات اوست (Metropolitan Museum of Art, 2000). با این حال هر دو فرم شرقی و غربی مفاهیم موضوعی از منظر ایده‌آل و حتی تخیلی از طبیعت را نمایش می‌دهند. منظر به عنوان نتیجه سیستم اشتراکی باورها و ایدئولوژی انسان‌ها ساخته می‌شود. در این صورت، منظر یک ساخت فرهنگی و آیینی‌ای از خاطرات و افسانه‌هایی است که با معناها رمزگذاری شده و می‌تواند خواننده و تفسیر شود.

در مقابل در قرن ۱۹ مفهوم منظر نخست تحت تأثیر جنبش‌های مذهبی. ملی و سپس علمی در اروپا و آمریکا قرار گرفت و در نهایت به ساخت طبیعت بکر و وحشی مربوط شد. در این تفکر، مردم بخشی از منظر تلقی نشده و منظر نیز به عنوان یک ساخت فرهنگی دیده نمی‌شود. اگرچه در این نگاه بکرگرایی مانند دیگر برداشت‌های موجود، منظر یک ساخت فرهنگی محسوب می‌شود، ولی محصولی از فکر بوده که در چارچوب تجربه و ایدئولوژی قرار گرفته است. "منظر خاطره است. هیچ برداشت مستقیمی از طبیعت وجود ندارد" (Ignatieff, 1995). با توجه به این مفهوم می‌توان به طرح این چالش پرداخت که تمامی مناظر، "فرهنگی" هستند.

ارزش‌های ناملموس و منظر

یک رویکرد مشخص که باعث تقویت مفهوم ایدئولوژی منظر به عنوان الگویی در تمام کارها می‌شود، تلقی منظر به عنوان محل نگهداری ارزش‌های ناملموس و معناهای انسانی است که وجود اولیه انسان‌ها را شکل می‌دهد. از آنجا که منظر مرکز حسی خاطرات جمعی و فردی ماست، منظر و خاطره جدایی ناپذیرند. نکته مهم و پیش‌فرض این تفکر، درک این مسئله است که مکان‌ها، سنت‌ها و فعالیت‌های مردم عادی زندگی را در





دیاگرام ۱. مکان، هویت و اجزای تشکیل دهنده آن. مأخذ: Relph, 1976.
Diagram 1: Place identity and its components.
Source: Relph, 1976.

لفاف غنی فرهنگ می‌پیچد و با شناخت ارزش‌ها، مردم درگیر مکان‌های روزمره و به دنبال آن احساس تعلق به مکان و هویت می‌شوند. هویت در احساس تعلق به مکان برای مردم یک امر ضروری است. رالف (Relph, 1979: 61) در طرح‌نامه خود این اندیشه را به این شکل خلاصه می‌کند: هویت یک مکان حاصل سه مؤلفه مستقل و در عین حال از درون مرتبط است: مؤلفه‌های فیزیکی یا ظاهری، کارکرد و فعالیت‌های قابل مشاهده و معناها یا نمادها (دیاگرام ۱).

هویت مادی و ملموس و همچنین هویت غیر ملموس، از آن جهت که مرتبط با خصوصیات دنیای پیرامونی و تجربیات انسانی هستند، با مفهوم مکان و اهمیت آن برای مردم، نمادها، تصاویر و معانی آمیخته با مکان‌ها-منظرها نیز در ارتباطی تنگاتنگ هستند. منطقه آسیا-اقیانوسیه بیشتر از هر جای دیگری در جهان نشان دهنده این ارتباط بوده که در آن بعضی از برجسته‌ترین نمونه‌های تاریخ و میراث زنده موجود در منظر فرهنگی، سنت‌ها و باز نمودهایش را در بر گرفته است.

ظهور منظر فرهنگی

دهه ۱۹۹۰ شاهد شکوفایی توجه به منظر فرهنگی و فهم آن بود؛ آنچه «دیوید ژاک» آن را «ظهور منظر فرهنگی» نامید (Jacques, 1995). در نتیجه این بیداری، علاوه بر ظهور یک سیستم ارزشی متفاوت در منظر فرهنگی، چالشی در مفهوم «میراث» در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی شکل گرفت که تا آن زمان بر آثار باشکوه تاریخی، سایت‌های باستان‌شناسی و مجموعه‌های معروف معماری یا سایت‌های تاریخی تمرکز داشت و ارتباط آن با شهرت و ثروت را مورد توجه قرار داده بود. این همان چیزی است که «ریچارد انگلهارت» از آن به عنوان گسترش فهم از میراث فرهنگی یاد کرده است. سهیم دانستن مردم و گسترش توجه به تاریخ مردمی و اینکه «منظر بزرگ‌ترین مزیت تاریخی برای کسانی است که می‌دانند چگونه آن را قرائت کنند» (Hoskins, 1955: 14)، ظهور جنبش

منظر فرهنگی را نوید می‌داد. انگلهارت همچنین این ایده را مطرح کرد که بازتاب روش‌های زندگی روزمره در مناظر یا مکان‌ها، ساخت مکان‌ها براساس ایدئولوژی‌ها، سکناس‌ها و جریان زندگی در گذر زمان، اهمیت بسیار دارد؛ چراکه بازگوکننده داستان مردمان، وقایع و مکان‌ها در طول تاریخ هستند و پیوستگی آنها و جریان زمان را خاطر نشان کرده و بستر فرهنگی را که زمینه‌ساز میراث فرهنگی است، ارایه می‌کنند.

این ایده‌ها براساس سنت آلمانی قرن ۱۹ پایه‌ریزی شده که مبتنی بر منظر فرهنگی «اتو اشلوتر» است و به ریخت‌شناسی منظر به عنوان خروجی فرهنگی می‌نگرد. همچنین براساس نظریات «فرانتس بائر»^۱ که مدافع ایده انطباق فرهنگ‌های مختلف با محیط‌های یکسان بود، توانست به رویکرد بررسی تاریخی در مفهوم سازی محیط شکل دهد (Taylor, 1998).

جغرافی دانان فرهنگ‌گرا نیز نظریات جغرافی دان آمریکایی «کارل سوئر» را دنبال کردند که در دهه ۱۹۲۰ معتقد بود: «منظر فرهنگی توسط یک مجموعه فرهنگ از درون منظر طبیعی شکل گرفته است» (Sauer, 1925).

اندیشه دیگری که در ارزش‌های نوین تاریخ و میراث در مبحث منظر فرهنگی اهمیت دارد، آن است که انسان می‌تواند در شکل‌گیری مکان نقش داشته باشد. می‌توان با ارایه ابزار مناسب و درخور موقعیت به بازدیدکنندگان مناظر فرهنگی، فرصت داده شود تا مشارکت و تأثیرگذاری داشته باشند. مجموع تمامی ایده‌های مرتبط با منظر که در دهه ۱۹۹۰ طرح شده بود، تفکر و اجرای مدیریت و برنامه‌ریزی میراث فرهنگی را بسط و گسترش داد، به طوری که منجر به شناسایی سه دسته منظر فرهنگی شاخص و واجد ارزش جهانی برای لیست میراث جهانی یونسکو شد.

قدم‌های نخستین، تأییدی بر درک این مفهوم بود که مناظر فرهنگی، سطح تماس فرهنگ و طبیعت، میراث ملموس و ناملموس و تنوع بیولوژیکی و فرهنگی بوده که نمایان‌گر مشارکت نزدیک شبکه‌ای از روابط، هویت مردم و فرهنگ هستند (Rossler, 2006). آنچه در ارتباط نزدیک و صمیمانه با این منظر است، داستان‌های مردم و اتفاقاتی است که از خاطرات آنان شکل می‌گیرد؛ غنای فرهنگی که حس تمایز محلی را تقویت می‌کند.

پیوند فرهنگ و طبیعت

در حالی که مناظر فسیلی و قدیمی همچنان با برجا هستند، اغلب مناظر فرهنگی زنده‌اند و تغییرات در طول زمان منجر به پیدایش مجموعه‌ای از لایه‌ها در آنها شده که مانند تصویری مونتاز شده به نظر می‌رسند. هر لایه این قابلیت

را دارد که داستان انسان و روابط میان مردم و فرایندی طبیعی را بیان کند. این مطلب در جمله‌ای از مقاله «فهم منظر فرهنگی - تعریف» (Leader-Elliott, Maltby & Burke, 2004) خلاصه شده است: «امروزه برای همه قابل قبول است که مناظر، فعالیت‌های انسانی را بازتاب داده و ملهم از ارزش‌های فرهنگی هستند. مناظر، عناصر فضا و زمان را با هم می‌آمیزند و ساخت‌های سیاسی را نیز همانند ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهند. به طوری که خود آنها و فعالیت‌های انسان در طول زمان دگرگون شده و لایه‌های مختلفی از معنا را دربر گرفته‌اند و می‌توان با مطالعه تاریخی، باستان‌شناسانه، جغرافیایی و اجتماعی به بررسی آن پرداخت. ویژگی منظر، بازتاب ارزش‌های مردمی است که آن را به وجود آورده و درون آن به زندگی مشغول‌اند. فرهنگ به تنهایی یک نیروی شکل‌دهنده و منظر تجلی فرهنگ است که اتفاقی به وجود نیامده بلکه در اثر طراحی خلق شده و حاصل جهان بینی انسان است».

تا اواخر دهه ۱۹۸۰ به دلیل تسلط ارزش‌های غربی، میان حفاظت طبیعی و تاریخی جدایی وجود داشت. در ارزش‌های غربی، میراث فرهنگی در بناها و سایت‌های باشکوه تاریخی، حداقل از زمان جهان کهنه کلاسیک. در اندیشه‌های علمی، بکر بودن طبیعت به عنوان جزء جدانشدنی انسان‌ها خلاصه می‌شد. بازتاب این تفکرات تا ۲۰۰۵، جدایی معیارهای فرهنگی و طبیعی برای ارزیابی مکان‌هایی با ارزش‌های جهانی ویژه جهت ثبت در لیست میراث جهانی بود. در ۲۰۰۵، این دو در قالب مجموعه‌ای از ۱۰ ضابطه در «راهنمای عملی برای اجرای کنوانسیون میراث جهانی»، با هم ترکیب شدند (UNESCO World Heritage Centre 2008, para. 77).

آسیای شرق و جنوب شرقی و اقیانوسیه، یک فرصت از دست رفته؟

تا فوریه ۲۰۰۸، تنها ۶۰ منطقه به عنوان منظر فرهنگی میراث جهانی ثبت شدند (در واقع بیش از ۶۰ منطقه شناسایی شده، اما تعدادی از آنها فراموشی شده‌اند) که از این تعداد ۱۲ منطقه متعلق به یونسکو آسیا. اقیانوسیه بوده است. در ۲۰۰۳، گزارش ارایه شده «پیتر فولر» درباره منظر فرهنگی میراث جهانی به یونسکو و در سپتامبر ۲۰۰۶ ابتکار دیگر توسط «سونیا برجمن»^۲ و «مونیکا لوتنگو»^۳ برای کمیته بین‌المللی ایکوموس که یک طرح‌نامه برای ثبت منظر فرهنگی جهانی بوده است به شناخت بیشتر این منطقه کمک کرد (Fowler, 2003). این اقدام اولین گام در جهت رسیدن به یک دیدگاه جهانی از منظر فرهنگی محسوب می‌شود.

برای درک مفهوم منظر فرهنگی، با وجود تفاوت‌هایی که در زبان منظر وجود دارد توجه به زمینه مشترک اتصال به منظر یعنی فرهنگ، تفاوت‌های فرهنگی در زبان جهانی منظر را شفاف می‌سازد. آنچه پیونددهنده این زبان جهانی است، احساس تعلق و ارتباط با محیط اطراف است که باعث ایجاد مشترکاتی می‌شود که نیاز به واژه‌شناسی فنی را از بین می‌برد.

جدید طراحی منظر. متأثر از «هوراس والپل» می‌گوید: «از حصارها پریدم و تمام طبیعت را همچون یک باغ دیدم» (Walpole, 1782). در اصطلاح جدید منظر، آنچنان که در کنوانسیون منظر اروپا مطرح شد، منظر برابر و هم‌تراز با انسان دیده می‌شود و فرهنگ و طبیعت از هم جدا نیستند. این اتصال منظر-فرهنگ همچنین، یک اصل بنیادی در دسته‌بندی منظر فرهنگی میراث جهانی است. اگر این چنین است، چرا همواره مفهوم منظر فرهنگی در شرق و جنوب شرقی آسیا مفهومی نسبتاً خاموش بوده است؟ یک پاسخ صریح آن است که به طور سنتی در ذهن شرقی، همه مناظر، منظر فرهنگی هستند و بنابراین ترکیب "منظر" با "فرهنگ" تکرار واژه‌ای غیر ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری | پیوند فرهنگ و منظر در ایده منظر فرهنگی میراث جهانی، یک بنیاد اولیه برای گسترش پذیرش مناظر فرهنگی شرق و جنوب شرقی آسیا بوده و فهم تاریخ زنده و غنی مناظر فرهنگی این منطقه را، در عین توجه به مفاهیم ارزش جهانی، ارائه می‌دهد. بسیاری از سایت‌های این منطقه همانند "بوربودور" یا "انکگور" در میان منظر فرهنگی گسترده‌تری قرار می‌گیرند که ملموس و ناملموس به طور ناگسستنی گره خورده‌اند (تصویر ۳). این رابطه معرف نیاز به ارزیابی دوباره این چنین دارایی‌هایی با نگاهی به ثبت دوباره است، تا بار دیگر جایگاه منظرشان را گرامی دارند و نیز نمایش و تفسیر گسترده‌تری از یک رابطه خوانا میان گذشته و حال ارائه دهند (Taylor & Alten, 2003; Taylor, 2006; burg, 2006). بر خلاف تفاوت‌ها و مسایل فرهنگی در زبان جهانی منظر، اکنون وقت آن رسیده که توجه‌مان را به زمینه مشترک اتصال به منظر، محیط فرهنگی یا هر آنچه تنوع واژگان منطقه‌ایست، معطوف کنیم. به نظر می‌رسد با وجود تفاوت‌هایی که در زبان منظر وجود دارد زیر این پوسته، در راه‌هایی که مردم احساس تعلق و ارتباط با محیط اطرافشان می‌کنند، مشترکاتی است که اهمیت واژه‌شناسی فنی را از بین می‌برد.

یکپارچگی نیاز است بدانیم سایت مورد نظر تا چه اندازه: ۱. شامل تمام عناصر ضروری برای ابراز ارزش‌های جهانی ویژه خود است؛

۲. دارای وسعت کافی برای نمایش کامل فرایند و جوهی است که بتواند بارز و خاص بودن آن را نمایش دهد؛

۳. از تأثیرات متنوع توسعه و یا بی‌توجهی رنج می‌برد.

با توجه به رابطه کهنه میان فرهنگ و طبیعت در فرهنگ شرقی. جایی که در آن مردم جدای از طبیعت تلقی نمی‌شوند. این سؤال مطرح می‌شود که آیا "مفهوم منظر فرهنگی" در آسیای شرقی و جنوب شرقی باعث سردرگمی نمی‌شود؟ به دنبال این تفکر «فنگ هان» (Han, 2004) این بحث را مطرح می‌کند که در چین مفهوم "منظر فرهنگی" مسئله‌ساز است. او مردم را بخشی از تجربه منظر می‌داند که در بستر طبیعت معناهای خاص خود را دارد. این معناها در تضاد با ایده‌های غربی هستند. از آن میان می‌توان به برخی نکات اشاره کرد: آنها انسان‌گرا هستند نه مذهب‌گرا؛ زیبایی‌گرا هستند نه علم‌گرا؛ سفر در طبیعت با هدف لذت از آن است و نه تنهایی و خلوت‌گزیدن؛ و بازآفرینی هنری طبیعت، زیباتر از اصل آن انگاشته می‌شود. با وجود این، شباهت‌هایی نیز در این انتقال طبیعت. فرهنگ در قیاس با سنت‌های غربی دیده می‌شود. در قرن ۱۶، در باغ‌های رنسانسی ایتالیا این ایده حاکم بوده که طراحی علاوه بر آنکه دنباله‌رو طبیعت است، ارتقاءدهنده آن نیز هست (تصویر ۲). ایده ارتقاء دادن طبیعت یک ایده اصلی در جنبش قرن ۱۸ منظر شد، جایی که «ویلیام کنت»^۵ از عمل‌گرایان رویکرد

فهرست پیشنهادی، گام نخست از مراحل مختلفی است که شامل موارد زیر می‌شود:

- کشف میراث پنهان
- تقویت منابع انسانی (رسانه‌ها، متخصصین و حرفه‌مندان)
- تقویت فعالیت‌های چندمنظوره مانند آگاه‌سازی مردم از ارزش‌های منظر فرهنگی، تحصیل در کلیه سطوح و توسعه آموزش‌های خاص و ایجاد پیوندهای ملی و بین‌المللی
- تقویت گروه‌های اقتصادی برای ایجاد منابع اقتصادی، گردشگری و شغلی در حوزه‌های مختلف
- ایجاد برنامه‌های اجرایی برای حفاظت و ترویج
- ایجاد برنامه‌های احیا و باززنده‌سازی
- مطالعه و تخصیص قوانین منظر و شهری مطابق با ارزش‌گذاری مناظر مختلف فرهنگی بررسی شده

در گزارش ایکوموس در ۲۰۰۴ با نام «فهرست میراث جهانی: پرکردن شکاف‌ها. برنامه‌ای اجرایی برای آینده»، جای خالی منطقه آسیا-اقیانوسیه در فهرست مناطق فرهنگی ثبت شده به چشم می‌خورد. بیشتر این مکان‌ها در فهرست میراث جهانی و یا فهرست موقت، سایت‌های باستان‌شناسی، معماری‌های فاخر و فضاهای مذهبی هستند. هرچند این فهرست نشان‌دهنده اهمیت سایت‌های باستان‌شناسی و مکان‌های اسلامی یا بودایی است، ولی تعداد بسیار کمی از این مجموعه‌ها به عنوان طیفی از منظر فرهنگی شناخته می‌شود که نشان‌دهنده فرصت‌های از دست‌رفته برای باور روح این مکان‌ها در منطقه است. بسیاری از دارایی‌های منطقه آسیا. اقیانوسیه، موجود در لیست میراث جهانی، مطابق با ارزش‌های یک منظر زنده هستند و ویژگی‌های دسته‌بندی منظر فرهنگی را دارند (تصویر ۱). پنج ویژگی عمده برای تعریف منظر فرهنگی پیشنهاد می‌شود:

۱. باورهای بومی. مذهبی
۲. بقایای معماری. باستان‌شناسی
۳. کاربری‌های تاریخی در حال بهره‌برداری
۴. گونه برجسته و خاص منظر
۵. طبیعت متمایز

مرور دیدگاه ارزشی شرقی مناظر فرهنگی بسیار آموزنده است. در مناظر آنها روح مکان، به اندازه‌ای در معنا، نماد و سیستم ارزش‌های ناملموس وجود دارد که در بافت‌های فیزیکی. به خصوص در ارتباط با مناظر فرهنگی، می‌توان مفهوم اصالت را قابلیت منظر در نمایش واقعی آن چیزی که انتظار می‌رود، جستجو کرد.

یکپارچگی، مقیاسی از تمامیت و بکر بودن میراثی - فرهنگی یا طبیعی و ویژگی‌های آن است. برای بررسی

* این مقاله ترجمه و خلاصه‌ای است از:

۱. Richard Angelheart Taylor, Ken. (2008). Landscape and Memory: cultural landscapes, intangible values and some thoughts on Asia. Conference proceedings of the 16th ICOMOS General Assembly and International Symposium: Finding the spirit of place... between the tangible and the intangible held in Quebec, Canada.
۲. Franz Boas
۳. Sonia Bergman
۴. Monica Luengo
۵. William Kent

Pic3: Initial foundation of cultural landscapes is the union of cultures and landscape which can be seen in Borobudur temple, Java, Andonesia.
Source: www.townsofusa.com



تصویر ۳
Pic3

- Ignatieff, M. (1995). *Walk on the Wild Side, the Independent on Sunday*, 9 April, 36-37 review of Simon Schama's *Landscape and Memory*.
- Jackson, J.B. (1984). *Discovering the Vernacular Landscape*. New Haven & London: Yale University Press.
- Jacques, D. (1995). The Rise of Cultural Landscapes. *International Journal of Heritage Studies*, 1-2: 91-101.
- Leader-Elliot, Maltby, R. & Burke, H. (2004). *Understanding cultural landscapes – Definition*. Available from: <http://flinders.edu.au> (Accessed 20 October 2007).
- Meinig, D W. (1979). *The Interpretation of Ordinary Landscapes*. *Geographical Essays*. New York: Oxford University Press
- Metropolitan Museum of Art, Department of Asian Art, 'Landscape Painting in Chinese Art' in *Timeline of Art History*. (2000). the Metropolitan Museum of Art, New York. Available from: <http://www.metmuseum.org/toah> (Accessed 14 October 2004).
- Mitchell, W. J. T. (1994). *Landscape and Power*. Chicago: Chicago University Press.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Robertson, I & Richards, P. (2003). *Studying Cultural Landscapes*. London: Arnold.
- Rossler, M. (2006). World Heritage Cultural Landscapes. *Landscape Research*, 31(4): 333-353.
- Sauer, C. (1925). The Morphology of Landscape. *University of California Publications in Geography*, 2: 19-53.
- Taylor, K. (1998). From Physical Determinant to Cultural Construct: shifting discourses in reading and scape as history and ideology. *FIRM(ness) commodity De-light. Questioning the canon*. Proceedings of Fifteenth Annual Conference of The Society of Architectural Historians Australia and New Zealand. Melbourne: University of Melbourne.
- Taylor, K. & Altenburg, K. (2006). Cultural Landscapes in Asia-Pacific: Potential for Filling World Heritage Gaps. *International Journal of Heritage Studies*, 12(3): 267-282.
- Taylor, K. (2003). Cultural Landscape as Open Air Museum: Borobudur World Heritage Site and Its Setting. *Humanities Research (Monuments and Commemorations issue)*, 2; 51-62.
- Walpole, H. (1782). *The History of the Modern Taste in Gardening*.

Dysfunctional Term in Oriental Culture

Concept of Cultural Landscape*

Ken Taylor

Translated and summarized (from The English to Persian):
Shahrzad Khademi, M.A in Landscape architecture.
Shahrzad.khademi@gmail.com
Mojde sadat Mahdavi Moghadam, M.A in
Landscape architecture. Mojo.mahdavi@gmail.com

Abstract | One of our deepest needs is for a sense of identity and belonging. A common denominator in this is human attachment to landscape and how we find identity in landscape and place. Landscape therefore is not simply what we see, but a way of seeing: we see it with our eye but interpret it with our mind and ascribe values to landscape for intangible – spiritual – reasons. Landscape can therefore be seen as a cultural construct in which our sense of place and memories inhere. Critical to this has been the increasing attention given to the study of cultural landscapes, even to the extent of recognition in 1992 of World Heritage Categories of outstanding cultural landscapes. The paper explores some of the associated ideas of landscape and memory and how landscape permeates much of our thinking of who we are with some focus on Asia as the cultural landscape idea gains ground in this region of the world.

Keywords | Cultural landscape, Asia, World heritage, Cultural heritage.

Endnote

*. This article is translated and summarized in:

Taylor, K. (2008). *Landscape and Memory: cultural landscapes, intangible values and some thoughts on Asia*. Conference proceedings of the 16th ICOMOS General Assembly and International Symposium: Finding the spirit of place _ between the tangible and the intangible held in Quebec.

Reference List

- Fowler, P. (2003). World Heritage Papers 6. World Heritage Cultural Landscapes 1992-2002. UNESCO World Heritage Centre.
- Han, F. (2004). *Cross-Cultural Misconceptions: Application of World Heritage Concepts in Scenic and Historic Interest Areas in China*. Conference proceedings of the 7th US/ICOMOS International Symposium held in New Orleans.
- Hoskins, W. G. (1955). *The Making of the English Landscape*. London: Hodder and Stoughton.
- ICOMOS, "the World Heritage List: Filling the Gaps – an Action Plan for the Future. An Analysis by ICOMOS", February 2004. ICOMOS International 13 eNews : www.international.icomos.org/world_heritage/whlgaps.htm

تصویر ۲: باغ‌های رنسانس ایتالیا از نمونه مناظری هستند که طراحی در آنها با مفهوم ارتقای طبیعت صورت گرفته است. شهر پینزا در توسکان شهرست که بسیاری از این باغ‌ها را در خود جای داده و در فهرست میراث فرهنگی جهانی ثبت شده است. شهر پینزا، ایتالیا، مأخذ : www.en.wikipedia.org

Pic2: Italian Renaissance gardens are examples of landscapes that are designed to promote the concept of nature. Pienza city of Tuscan encompasses many gardens and it is registered in the World Heritage List. Source: www.en.wikipedia.org



تصویر ۲
Pic2